

پاکستان

گودوین، ویلیام
پاکستان / ویلیام گودوین؛ ترجمه فاطمه شاداب. - تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
۱۴۴ ص: مصور. - (مجموعه ملل جهان)
ISBN 964-311-446-5
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی:
Pakistan, 2003.
کتابنامه: ص. ۱۳۵-۱۳۸.
نمایه.
۱. پاکستان. الف. شاداب، فاطمه، ۱۳۴۶. - مترجم. ب. عنوان.
پ ۹ گ/ ۹/ DS۳۷۶/ ۹۵۴/ ۹۱
۱۳۸۳
کتابخانه ملی ایران
۳۰-۳۷-۸۲م

پاکستان

ویلیام گودوین

ترجمہ فاطمہ شاداب



این کتاب ترجمه‌ای است از:

PAKISTAN

WILLIAM GOODWIN

LUCENT BOOKS, 2002



انتشارات فنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمری

شماره ۲۱۵، تلفن ۶۴۰۸۶۴۰

* * *

ویلیام گودوین

مجموعه ملل جهان

پاکستان

ترجمه فاطمه شاداب

چاپ اول

۳۰۰۰ نسخه

۱۳۸۳

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۵ - ۴۴۶ - ۳۱۱ - ۹۶۴

ISBN: 964 - 311 - 446 - 5

Printed in Iran

فهرست

مقدمه	۷
۱. از کناره دریا تا کوه‌های بلند	۱۱
۲. تمدن پنج‌هزار ساله	۲۹
۳. استقلال پردر دسر	۴۹
۴. زندگی روزمره در پاکستان	۶۷
۵. فرهنگ پاکستان	۸۵
۶. چالش‌های داخلی و بین‌المللی	۱۰۳
اطلاعاتی در باره پاکستان	۱۱۹
یادداشت‌ها	۱۲۵
گاهشمار	۱۲۷
منابعی برای مطالعه بیشتر	۱۳۳
منابع مورد استفاده	۱۳۵
نمایه	۱۳۹

مقدمه

سرزمین پاکان

واژه پاکستان به معنی «سرزمین پاکان» است، اما برای این کشور جوان، که تنها نیم قرن از عمر آن می‌گذرد، وفادار ماندن به این نام بسیار دشوار بوده است. ساکنان دره رود سند، که زادگاه یکی از نخستین تمدن‌های بشری و خاستگاه پاکستان امروزی است، با سختی‌های زیادی روبرو هستند. از زمان تأسیس پاکستان در سال ۱۹۴۷، این کشور همواره به دلیل جنگ با همسایگان، خشونت‌های داخلی همیشگی، فقر، سیل، خشکسالی، اقتصاد بی‌ثبات، جمعیت زیاد و ارتشا گرفتار بحران بوده است. اما این سرزمین باستانی هنوز هم با داشتن مردمی پویا و مذهبی، آب فراوان، دسترسی آسان به دریاها، آزاد و جغرافیایی الهام‌بخش، که شامل بسیاری از کوه‌های بلند سراسر جهان است، متبرک می‌شود.

هر دو کشور هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷ استقلال خود را به دست آوردند و از زیر سلطه بریتانیا بیرون آمدند؛ ولی قبل از این که اولین سال استقلالشان به پایان برسد، با هم درگیر جنگ شدند. از آن به بعد، پاکستان چندمرتبه با هند وارد جنگ شده است. حل نشدن منازعات بین هند و پاکستان باعث شده است که قسمت عمده منابع عظیم این کشور صرف امور نظامی شود. در نتیجه، میزان بودجه آموزش، بهداشت و امور زیربنایی کاهش یافته و برای جمعیت پاکستان، که میانگین رشد زیادی دارد، مشکلات فراوانی به وجود آورده است.

میزان بی‌سوادی در پاکستان در مقایسه با بسیاری از کشورهای آسیایی بسیار بالاست، به طوری که ۶۴ درصد بزرگسالان (۷۷ درصد



جغرافیای پویا و زیبای پاکستان قله تیریچ میر را نیز شامل می‌شود که در غربی‌ترین رشته‌کوه‌های کشور قرار گرفته است.

زنان) قادر به خواندن و نوشتن نیستند. تقریباً نیمی از مردم به خدمات بهداشتی و آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند. و این‌ها یگانه آمارهای مایوس‌کننده‌ی مربوط به مشکلات روزافزون اجتماعی نیست. در عرض پنجاه سالی که از تأسیس کشور می‌گذرد، جمعیت چهار برابر گردیده و بی‌کاری در مناطق روستایی سبب مهاجرت گسترده‌ی روستاییان به شهرها شده است. در شهرها نیز حاشیه‌نشینی و کمبود خدمات اجتماعی شرایطی را به وجود آورده که منجر به بروز جرم و ناآرامی‌های اجتماعی گردیده است.

اما شهرهای پرجمعیت پاکستان خاستگاه طبقه‌ی متوسط اجتماعی است که پرنفوذ و رو به رشد است. این پاکستانی‌های تحصیلکرده و آگاه در انتظار شکوفایی و ثبات کشور هستند و نسبت به افراط‌گرایان خشن کشور دید خوبی ندارند. طبقه‌ی متوسط در پاکستان علاقه‌مند است با کار و

فعالیت زیاد مرحله دشوار انتقال کشور را به دنیای مدرن با فن آوری سطح بالا و بازارهای بین‌المللی پشت سر بگذارند، نه این که همواره درگیر جنگ باشند یا از تروریسم بین‌المللی حمایت کنند.

در شهرهای پرجمعیت و گرم پاکستان علی‌رغم رشد طبقه متوسط، میلیون‌ها نفر نومیدانه با فقر و بی‌سوادی سر می‌کنند. خشونت در میان این توده مردم ریشه انداخته است و نمود آن را در بناهای یادبود متعددی که به مناسبت ساخت اولین بمب اتمی پاکستان ایجاد شده است می‌توان دید. بعضی افراطی‌های این کشور، که تقریباً تمام مردمش مسلمان هستند، با مسلمانان شبه‌نظامی سایر مناطق دنیا احساس قرابت می‌کنند، این احساس نزدیکی چنان قوی است که گاه منجر به حمایت از سازمان‌های تروریستی می‌شود. بسیاری از پاکستانی‌ها که طالب جنگی دیگر با هند بر سر منطقه مورد منازعه کشمیر هستند، به این ناآرامی‌های اجتماعی دامن می‌زنند. در تاریخ معاصر درگیری نظامی در کشمیر طولانی‌ترین درگیری بوده است. به این ترتیب، علی‌رغم تعهد و توانایی‌های ملت جوان پاکستان، وجود این جریان‌های خشونت‌گرا باعث شده است تا این کشور یکی از بی‌ثبات‌ترین کشورهای قرن بیست و یکم باشد.



از کناره دریا تا کوه‌های بلند

پاکستان به دلیل جغرافیای خاص و موقعیتش، میلیون‌ها سال است که به مثابه دروازه‌ای بین غنای آسیای جنوبی و مناطق نسبتاً جدا افتاده آسیای میانه و خاورمیانه بوده است. مردمان و حتی گیاهان و جانوران پاکستان امروزی منعکس‌کننده موقعیت این سرزمینند که به گذرگاهی بین هند و بقیه دنیا می‌ماند. همان جنبه‌های جغرافیایی که زندگی و فرهنگ پاکستان را شکل داده، سبب شده است تا در این سرزمین بیابان‌های غیرقابل سکونت، زمین‌های کشاورزی حاصلخیز، رودخانه‌های وسیع و دره‌هایی با گیاهان انبوه که بلندترین کوه‌های دنیا محصورشان کرده‌اند، به وجود آید.

موقعیت

پاکستان در بخش غربی شبه قاره هند قرار گرفته است. از غرب با ایران و افغانستان، از شرق با هندوستان، از شمال با چین و افغانستان و از جنوب با دریای عرب همسایه است. مساحت کشور ۷۹۶,۰۹۵ کیلومتر مربع است که کمی بزرگ‌تر از ایالت تگزاس در ایالات متحده و یک چهارم وسعت کشور همسایه‌اش، هندوستان، است. پاکستان حدود هشتصد کیلومتر مرز آبی با دریای عرب دارد.

کوه‌های بلند پاکستان

در بخش شمالی چین خوردگی‌های زمین سبب به وجود آمدن رشته کوه‌هایی شده که بعضی از بلندترین قله‌ها را در بر می‌گیرند. در میان

این کوه‌ها، که بسیاری از آن‌ها با یخچال‌های عظیم پوشیده شده است، دره‌هایی سرسبز از جمله کشمیر و سوات و دره‌هایی با جمعیت کم‌تر و خشکی و ارتفاع بیش‌تر مثل گیلگیت و هونزا وجود دارد.

کوه‌های بلند پاکستان در شمال، این کشور را از چین و در شمال و غرب از افغانستان جدا می‌کنند. این کوه‌ها شامل سه گروه مجزا هستند: کوه‌های هیمالیا، کوه‌های هندوکش و کوه‌های قراقرم. غربی‌ترین قسمت رشته کوه‌های هیمالیا از هند به بخش شمال شرقی پاکستان کشیده شده است. از بخش شمال غربی کوه‌های هیمالیا، رشته کوه‌های قراقرم آغاز می‌گردد و کوه‌های هندوکش از شمال غربی کوه‌های قراقرم شروع می‌شود و به سمت مغرب تا افغانستان گسترش می‌یابد.



صعود به قلهٔ کا ۲: کوه‌ها



در شمال پاکستان، رشته کوه‌های ناهموار و سر به فلک کشیده‌ای وجود دارند که چشمگیرترینشان رشته کوه‌های قراقورم است. در آنجا، در آن منطقه غیرقابل سکونت، که تا سال ۱۸۵۶ برای جهان ناشناخته بود، کوهی عظیم به نام کا ۲ قرار گرفته که منطقهٔ مرزی پاکستان و چین است. این قله را به این علت کا ۲ می‌نامند که دومین قلهٔ بلندی است که در رشته کوه قراقورم شناسایی شده است. این قله که ارتفاعی حدود ۸۶۱۱ متر دارد از نظر ارتفاع پس از قلهٔ اورست دومین قلهٔ مرتفع جهان است. قله‌های بلند کا ۲ بر فراز دره‌ای بدون درخت و یخ‌زده به نام گنکور دیا واقع شده‌اند. چهار قله از مرتفع‌ترین قله‌های جهان در گستره‌ای به شعاع ۲۱ کیلومتر قرار گرفته‌اند و این منطقه از نظر تراکم قله‌های بلند، مقام اول را در جهان داراست. اگرچه تقریباً دو بیست نفر با موفقیت به قلهٔ کا ۲ صعود کرده‌اند، بسیاری در دامنه‌های شیب‌دار این قله جان سپردند تا این که یک نفر انگلیسی موفق به کشف آن شد.

قلهٔ کا ۲ را، که قلهٔ گادوین آستین و به زبان محلی دپ سنگ هم نامیده می‌شود، در سال ۱۸۵۶ کلنل تی. جی. مونتگمری^۱ کشف و اندازه‌گیری کرد. مونتگمری از گروه مساحان هند بود که از جانب ارتش بریتانیا برای نقشه‌برداری از شبه قارهٔ هند به این منطقه آمده بود. نام گادوین آستین^۲ از نام کلنل گادوین آستین، جغرافیدان انگلیسی قرن نوزدهم، گرفته شده است. او اولین نفری بود که توانست در دههٔ ۱۸۶۰ منطقه کنکور دیا را مساحی کند و احتمالاً اولین فرد اروپایی بوده است که توانسته به پای قلهٔ کا ۲ برسد (مونتگمری اندازه‌گیری‌هایش را از فراز گذرگاهی دوردست انجام داده بود).

کوهنوردانی که به این قله صعود کرده‌اند بر این نکته توافق دارند که قلهٔ رشته کوه قراقورم از مشکل‌ترین و خطرناک‌ترین قله‌های مرتفع دنیا هستند. تلاش برای صعود به قلهٔ کا ۲ از سال‌های پایانی قرن نوزدهم آغاز شد، اما گروه‌های مختلف یکی بعد از دیگری شکست خوردند. بالاخره در سال ۱۹۵۴ یک گروه اکتشافی ایتالیایی به پاکستان رفت تا بخت خود را بیازماید. علی‌رغم مرگ یکی از اعضای طی صعود به قله، گروه پایداری کرد و سرانجام در ۳۱ ژوئیهٔ ۱۹۵۴، دو مرد ایتالیایی، لینو لاجدلی و آشیل کومپانیونی، اولین کسانی شدند که توانستند قلهٔ کا ۲ را فتح کنند.

1. T.G. Montgomeri

2. Godwin Austin

هفت قله از مرتفع‌ترین قله آسیا و چهل کوه از پنجاه کوه مرتفع دنیا در پاکستان واقع شده‌اند. بلندترین قله پاکستان کاسا ۲ است که ارتفاع آن حدود ۸۶۱۱ متر است و دومین قله مرتفع دنیا به شمار می‌آید. در منطقه بالتیستان در شمالی‌ترین بخش کشور ۴۶ قله وجود دارد که ارتفاعی بیش از ۶۱۰۰ متر دارند. این قله‌های بدون سکنه، که صعود به آن‌ها بسیار مشکل است، باعث جذب کوهنوردان از سراسر دنیا می‌شود و به همین علت، آمار مرگ و میر در حین صعود به کوه در پاکستان از تمام کشورهای دنیا بیش‌تر است.

در کوه‌های پاکستان بیش از سایر مناطق دنیا یخچال‌های طبیعی وجود دارد. مثلاً ۳۷ درصد منطقه را یخچال‌های رشته کوه قراقرم دربر گرفته که بیش از کوه‌های هیمالیا (۱۷ درصد) و کوه‌های آلپ (۲۲ درصد) است. برجسته‌ترین این رودهای یخی، یخچال بالتورو است که ۶۱ کیلومتر طول و وسعتی حدود ۱۲۸۴ کیلومتر مربع دارد. اغلب کوهستان‌های بخش شمالی پاکستان از بلندترین قله آلپ،

قراقرم به دلیل ارتفاع رعب‌انگیزش مسافران را با خطرهایی مواجه می‌کند، خطرهایی مانند سیلاب‌های یخچالی که گهگاه روی می‌دهد.



مرتفع‌تر هستند و در نتیجه بزرگراه قراقرم که پاکستان را به چین متصل می‌کند مرتفع‌ترین راه در تمام جهان است. این بزرگراه پروژه‌ای سوق‌الجیشی بود که به منظور تأکید بر روابط دوستانه بین دو کشور و مقابله با اتحاد هند و اتحاد شوروی طراحی شده بود. بزرگراه قراقرم از میان سرزمینی دشوار و خطرناک، از دره‌های پرشیب و رودهای پریچ و خم می‌گذرد. ریزش کوه و سنگ معمولاً بخش‌هایی از جاده را چنان تخریب می‌کند که تا چند روز امکان سفر از بین می‌رود.

در متھالیه شمال غربی کشور، جایی که کوه‌های بلند، دره‌های گیلگیت، هونزا و دره‌های دیگری پدید آورده‌اند، سرزمینی چنان خشن به وجود آمده که زندگی در آن دشوار است و جمعیت اندکی در آن ساکن شده‌اند. در دره‌های غربی و جنوبی چیترال، دیر، خاقان و سوات رودخانه‌ها و دریاچه‌های متعدد، و جنگل‌های صنوبر و سرو کوهی پرشماری قرار گرفته‌اند که پوشش گیاهی و جانوری غنی دارند و در مقایسه جمعیت بیش‌تری را در خود جای داده‌اند. در جنوب کوه‌های بلند، ارتفاع به تدریج کاهش می‌یابد و کوه‌ها به تپه بدل می‌شوند تا سرانجام زمین مسطح می‌گردد و به صورت دشت‌های ایالت‌های سرحدی شمال‌غربی و پنجاب در می‌آید، که شمالی‌ترین ایالت‌های پاکستان هستند.

رشته کوه‌های کوچک‌تر ولی ناهموار و خشک از غرب هندوکش به سمت پایین به طرف ایالت بلوچستان در طول مرز پاکستان و افغانستان کشیده شده است. این کوه‌ها طی دوران حمله آمریکا به افغانستان هنگامی که طالبان و نیروهای القاعده از این مناطق برای پنهان شدن و فرار به پاکستان استفاده کردند بدنام شدند. گردنه خیبر مهم‌ترین راه زمینی گذر از این کوه‌هاست.

رودهای عظیم

آب حاصل از کوه‌های پاکستان در چندین رودخانه بزرگ جاری می‌شود. دره‌ها و دشت‌هایی که این رودخانه‌ها در آن‌ها جریان می‌یابند از

حاصلخیزترین زمین‌های سراسر دنیا هستند. اما همه جای پاکستان سبز و خرم نیست. بجز دامنه کوه‌ها، جلگه‌ها، دشت‌ها، فلات‌ها و دره‌ها، که در آن‌ها بادهای مانسون سبب بارش فراوانی می‌شود، در کشور مناطق گسترده‌ای وجود دارد که خشک و بی‌آب و علف است و جمعیت اندکی دارد.

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رود پاکستان، رود سند است که در جهان از نظر بزرگی در مرتبه ششم قرار گرفته است. این رود، که از کوه‌های هیمالیا در نزدیکی مرز چین سرچشمه می‌گیرد، به سوی جنوب سرازیر می‌شود و در طول مسیر ۲۴۰۰ کیلومتری‌اش از میان جلگه پرجمعیت سند، کشور را به دو نیمه تقسیم می‌کند. رود سند به دریای عرب می‌ریزد و در آن‌جا دلتای بزرگ رود سند را تشکیل می‌دهد که در جهان رتبه پنجم را داراست.

فلات‌ها، بیابان‌ها، دشت‌ها و سواحل

دشت حاصلخیزی از میان کشور از غرب به سمت جنوب شرقی کشیده شده که از کوه‌های بلند شمالی آغاز می‌شود. این دشت از دره پیشاور در غرب تا پنجاب شمالی، که اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، در آن واقع شده و در نزدیکی مرز هندوستان قرار گرفته، گسترش یافته است. در غرب دشت خالی از سکنه بلوچستان واقع شده است که تا جنوب ایران امتداد می‌یابد. پایین‌تر از پنجاب به سمت شرق گستره وسیع بیابان تار واقع شده که تقریباً تا دریای عرب ادامه می‌یابد. بین این دو منطقه بیابانی جلگه حاصلخیز سند قرار گرفته که ناحیه مرکزی پاکستان است، جایی که اغلب مردم زندگی می‌کنند و اغلب محصولات غذایی کشور در آن‌جا کشت می‌شود. اگرچه در این منطقه بارش باران ناچیز است، زمین به وسیله مجاری آبی متعدد مشروب می‌شود.

ساحل جنوبی در معرض آب‌های گرم دریای عرب است و بندرهای شلوغ، سواحل ماسه‌ای، مرداب‌ها و باتلاق‌های گیاه چندر دارد. بجز شهر صنعتی و پرجمعیت کراچی که تنها بندر واقع در کناره آب‌های آزاد است، بقیه قسمت‌های خط ساحلی پاکستان توسعه نیافته‌اند.

آب و هوا

پاکستان یکی از مناطقی است که می‌توان درجه حرارت‌های بسیار زیاد و کم را در آن یافت. از ۵۰ درجه سانتیگراد در منطقه سند در تابستان گرفته تا ۴۵- درجه سانتیگراد در زمستان‌های کوهستان‌های شمالی. در بعضی مناطق، خشکسالی مشکل عمده است، ولی در بعضی دیگر سیلاب‌های سالانه مشکلات متعددی را سبب می‌شود. در ماه‌های تابستان تندبادهای ویرانگر (که در آسیای جنوبی آن‌ها را تیفون می‌نامند) گاه مناطق پرجمعیت ساحلی اطراف کراچی را در هم می‌کوبند.

کوه‌های بلند شمال پاکستان بر الگوی آب و هوایی کشور تأثیر زیادی می‌گذارند. هر سال به مدت چند ماه، سیستم‌های هوایی پررطوبت به نام مانسون پدید می‌آیند که از اقیانوس هند منشأ می‌گیرند. دیواره متشکل از کوه‌های بلند راه عبور مانسون را سد می‌کند، و، در نتیجه، قسمت اعظم بارش سنگین باران در دشت‌های پشت کوه‌ها صورت می‌گیرد.

دامنه‌های جنوبی کوه‌های هندوکش و دره‌ها و تپه‌هایی که در جنوب آن قرار دارند، در معرض مانسون هستند و میزان بارش در این مناطق سالانه بین ۷۵ تا ۱۲۵ سانتیمتر متغیر است. اگرچه در بعضی مناطق پاکستان باران‌های مانسون می‌بارد، بیش‌تر نواحی خشک هستند. حتی رشته کوه‌های قراقرم و هیمالیا هم نسبتاً خشکند، زیرا کوه‌های هندوکش مانع عبور مانسون و رسیدن آن به این نواحی می‌شود. در نتیجه، میزان نزولات آسمانی در این نواحی از اغلب بیابان‌ها کم‌تر است. ایالت بلوچستان در غرب پاکستان نیز تقریباً به اندازه کوهستان‌های شمالی خشک است و متوسط بارش سالانه باران در این ناحیه حدود ۲۰ سانتیمتر است. در دشت تارگاه سال‌ها می‌گذرد بدون این که بارانی بیارد. پاکستانی‌ها معتقدند در کشورشان سه فصل وجود دارد و از این بابت احساس غرور می‌کنند: فصل سرما، فصل گرما و فصل مرطوب. از اواسط ماه دسامبر تا ماه مارس در تمام کشور آب و هوا سرد است. در این فصل میزان رطوبت کم است و بجز ناحیه ساحلی شب‌ها برودت به حد صفر می‌رسد. از ماه آوریل تا ژوئن هوا به تدریج گرم می‌شود تا حدی که شرایط تقریباً تحمل‌ناپذیر می‌گردد. در ماه ژوئن، حرارت طی روز در

مناطق داخلی کشور معمولاً از ۴۳ درجه سانتیگراد هم فراتر می‌رود. فصل مرطوب، که از ژوئیه شروع می‌شود، هنگامی است که بادهای مانسون از جنوب غربی می‌وزند و هوای مرطوب جایگزین هوای خشک می‌شود و تقریباً هر روز باران می‌بارد، و این وضعیت تا دو ماه ادامه می‌یابد. وزش بادهای مانسون از اواخر ماه اوت رو به کاهش می‌گذارد و در اواسط ماه سپتامبر ریزش باران پایان می‌یابد. در ماه اکتبر حرارت روز به ۸-۲۷ درجه سانتیگراد می‌رسد و شب‌ها خوشایند می‌شود. در پاکستان هوا در ماه‌های بعد از وزش بادهای مانسون، در دو ماه اکتبر و نوامبر، خوشایند است.

پوشش گیاهی و جانوران

پوشش گیاهی طبیعی در زمین‌های پست پاکستان پراکنده است و غالباً از علفزارهای تَنک و بیشه‌زارهای رشد نیافته تشکیل شده است. با افزایش ارتفاع زمین، در مناطقی که به قدری پرشیب یا دورافتاده هستند که نمی‌توان در آن‌ها زندگی کرد، جنگل‌های مخروطی وسیعی پدید آمده‌اند که بخش عمده‌ای از سال با گل‌های وحشی و علف مفروش شده‌اند. در جنوب، در طول خط ساحلی دریای عرب، باتلاق‌های چندر بکری وجود دارد که منشأ بسیاری از انواع آبزیان است که در ناحیه دلتا و دهانه رودخانه‌ها یافت می‌شوند.

تسماح‌ها در باتلاق محل زندگی‌شان. ممکن است به دلیل تخریب محل زندگی‌شان در پاکستان نابود شوند.



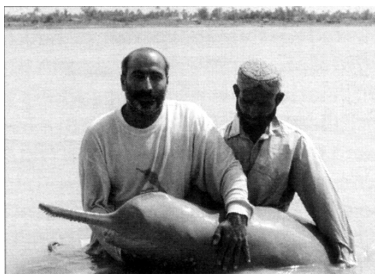
دولفین‌های رود سند



دولفین‌های رودخانه که فقط در رود سند، چند رود بزرگ آسیایی و رود آمازون یافت می‌شوند، هیچ‌گاه به دریا نمی‌روند. دولفین‌های رود سند به رنگ خاکستری مایل به قهوه‌ای هستند که بدن‌هایی چاق و باله‌هایی بزرگ شبیه پارو دارند. آن‌ها پوزه بلند و دندان‌های بزرگ دارند و خط دهان اغلبشان به شکل لبخندی دوستانه است. اندازه این دولفین‌ها از نظر طول ۱۸۰ تا ۲۴۰ سانتیمتر و وزنشان حدود ۹۰ تا ۱۰۰ کیلو است. آن‌ها از سخت‌پوستان و ماهی‌های کوچک تغذیه، و تقریباً سی سال عمر می‌کنند. این دولفین‌ها، برخلاف اغلب دولفین‌های ساکن در اقیانوس، باله پشتی بزرگ ندارند. باز هم برخلاف دولفین‌های اقیانوس، دولفین‌های رودخانه به صورت دوتایی یا تکی سفر می‌کنند. آن‌ها معمولاً در آب‌های کم عمق به پهلو شنا می‌کنند، به طوری که یکی از باله‌هاشان به کف رودخانه می‌خورد و دمشان از یک سو به سوی دیگر می‌رود. دولفین‌ها وقتی به پهلو شنا می‌کنند، باله‌شان را به بستر گلی رود می‌مالند؛ همین کار به آن‌ها کمک می‌کند تا غذایشان را بیابند.

این دولفین‌ها نیز، مثل دولفین‌های مناطق دیگر، برای «تصور» محیط اطرافشان از صوت استفاده می‌کنند. در مورد دولفین‌های رود سند، جهت‌یابی از طریق ارسال صدا و سنجش پژواک آن عملاً همان کار بینایی را می‌کند، زیرا چشم‌های آن‌ها تکامل نیافته‌اند و عدسی ندارند. این دولفین‌ها فقط می‌توانند نور و تاریکی را حس کنند که همین هم برایشان کافی است، زیرا رودها بسیار گل‌آلود هستند.

به دنبال سدسازی‌هایی که از دهه ۱۹۳۰ آغاز شد، زندگی این پستاندار با خطر مواجه گردید. وجود سدها باعث شده است که جمعیت دولفین‌ها به گروه‌های کوچک تقسیم شود. علاوه بر ساخت و ساز سدها، عوامل دیگری نیز سبب کاهش تعداد دولفین‌های رود سند شده‌اند از جمله آهنگ جریان رود، که قبلاً سریع بود و حال آهسته‌تر شده است، به دام افتادن تصادفی دولفین‌ها در تورهای ماهیگیری، شکار آن‌ها به منظور استفاده از گوشت و



کارکنان حیات وحش یک دولفین ساکن در رود سند را آرام می‌کنند.

چربی آن‌ها و به عنوان داروی سنتی، و اختلال در الگوهای طبیعی مهاجرت. زمانی این دولفین‌ها از کناره دریاى عرب تا پای کوه هیمالیا در تمام طول رود سند یافت می‌شدند، اما امروز کم‌تر از هزار دولفین در رود سند وجود دارد. محافظت‌های قانونی گسترده‌ای در طی دهه ۱۹۷۰ صورت گرفت، و جمعیت دولفین‌های رودخانه سند در منطقه ایالت سند تنها مایه امید به بقای این پستاندار کمیاب است.

به دلیل وجود موقعیت‌های ارضی گوناگون و آب و هوای مختلف، تعداد زیادی از انواع پستانداران، خزندگان، دوزیستان، پرندگان و ماهی‌ها در پاکستان زندگی می‌کنند. طبق ادعای فدراسیون جهانی حیات وحش، ۱۸۸ گونه از پستانداران از جمله خرس، سمور آبی، آهو، بز کوهی، شغال و پلنگ سفید، که در معرض خطر انقراض قرار گرفته، در پاکستان یافت می‌شوند. پرندگان بسیار متعدد و گوناگونند (۶۶۸ گونه از جمله پرندگان مهاجر). دولفین‌های آب شیرین در رود سند زندگی می‌کنند و محیط باتلاقی دلتا زندگی تمساح‌های ساکن باتلاق را تأمین می‌کند. در خط ساحلی پاکستان انواع گوناگون ماهی‌ها، کوسه‌ها، صدف‌ها و لاک‌پشت‌های دریایی زندگی می‌کنند، و رودخانه‌ها و دریاچه‌های آن زیستگاه صدها گونه ماهی است.

نگرانی پاکستان در مورد کاهش، قطعه قطعه شدن و از بین رفتن مستمر و روزافزون زیستگاه‌های طبیعی بیش‌تر و بیش‌تر شده است، مشکلاتی که با رشد زیاد جمعیت در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شدت یافته‌اند. در بسیاری از مناطق فقط قطعاتی از جنگل‌ها باقی مانده و زیستگاه‌های دریایی و آب شیرین و کوهستانی هم به موازات آن در حال تخریب هستند. از بین رفتن زیستگاه‌ها منجر به نابودی تعدادی از انواع گوناگون و بومی گیاهان و جانوران شده است که بعضی از آن‌ها از جمله یوزپلنگ آسیایی کاملاً منقرض شده‌اند. دولت در تلاش برای حفظ حیات وحش و زیستگاه‌های طبیعی، بر تأسیس یک پارک ملی بزرگ و ایجاد نظام حفاظت از حیات وحش نظارت می‌کند. فدراسیون جهانی حیات وحش در پاکستان ۱۴ پارک ملی و ۲۹ منطقه حفاظت شده حیات وحش را تعیین کرده، ولی اظهار داشته است که این محیط‌های حفاظت شده نیز ممکن است تحت تأثیر فشار رشد سریع جمعیت قرار بگیرند.

جمعیت

جمعیت پاکستان از مرز ۱۴۰ میلیون نفر گذشته، و میزان رشد جمعیت در این کشور زیاد است. تقریباً نیمی از جمعیت کم‌تر از پانزده سال دارند و

میزان رشد سالانه، که سه درصد تخمین زده شده است، حتی در میان کشورهای در حال توسعه نیز یکی از بیش‌ترین مقادیر است.

بخش عمده جمعیت پاکستان در دره حاصلخیز رود سند و در طول شاخه‌های اصلی آن در مناطق شمالی و شمال شرقی کشور زندگی می‌کنند. در مقابل، در مناطق غربی و جنوب غربی پاکستان جمعیت به صورت پراکنده توزیع شده است.

اغلب مردم پاکستان با فقر دست به گریبان هستند، به خصوص در نواحی روستایی که دو سوم جمعیت پاکستان را در خود جای داده است. حداقل ۳۵ میلیون نفر در فقر زندگی می‌کنند، و امکان دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، آب پاکیزه و تنظیم خانواده بسیار ناچیز است.

ایالت‌ها

پاکستان به چهار ایالت تقسیم شده است: ایالت سرحدی شمالغرب، پنجاب، سند و بلوچستان. به علاوه، چندین منطقه از جمله کشمیر آزاد (بخشی از ایالت مورد منازعه جامو و کشمیر که تحت کنترل پاکستان است و معمولاً از آن به نام «کشمیر» یاد می‌شود)، مناطق شمالی و یک منطقه قبیله‌ای نیمه خودمختار در منطقه مرزی غربی نیز وجود دارند.

ایالت سرحدی شمالغرب بیش از ۱۰۹۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان دارد. مرکز آن پشاور است که در دره‌ای حاصلخیز و وسیع واقع شده است. این دره در گذشته مرکز پادشاهی باستانی بودایی گاندهارا بوده است. نیمه شمالی این ایالت از چند دره مسیر رودخانه که با هم موازی هستند تشکیل شده، و این رودخانه‌ها در مسیر شمال و جنوب امتداد دارند. این دره‌ها در کناره شمالی کمر بند وزش بادهای بارانزای مانسون قرار گرفته‌اند، و همین بادهای مانسون سبب شده‌اند این دره‌ها در بخش‌های جنوبی سرسبز باشند، در حالی که مناطق دورافتاده‌تر عمدتاً بیابان‌های کوهستانی هستند. در جنوب پشاور، در ایالت سرحدی شمالغرب کوه‌های صخره‌ای و کوتاه و فلات‌های وسیعی با پوشش ماسه



و سنگریزه قرار گرفته است. ایالت سرحدی شمالغرب مناطق قبیله‌ای نیمه خودمختار وسیعی را دربر می‌گیرد که خارج از کنترل دولت پاکستان هستند. همین عامل سبب شده است که این منطقه در سراسر دنیا قدیمی‌ترین منطقه‌ای باشد که پیوسته بی‌قانون بوده است. قدرتمندترین مردمان قبیله‌ای این منطقه پشتون‌ها هستند، جنگجویانی که طی قرن‌ها مغول‌ها، افغان‌ها، سیک‌ها، بریتانیایی‌ها و روس‌ها را شکست داده‌اند و هنوز برای تشکیل کشور مستقل پشتون تلاش می‌کنند.

بلوچستان بزرگ‌ترین ایالت پاکستان است و ۴۲ درصد کل مساحت کشور را دربر گرفته است. بلوچستان که به واسطه وجود بیابان غیرقابل سکونت مکران معروف است، جمعیت اندکی دارد و در واقع تنها چهار درصد کل جمعیت کشور در آن‌جا زندگی می‌کنند. بزرگ‌ترین شهر آن، کوئتا، مرکز ایالت است. در سرحد شمال شرقی بلوچستان رشته‌کوه‌های سر به فلک کشیده سلیمان واقع شده‌اند، و گذرگاه‌های خُجَک و بولان از میان این کوه‌ها می‌گذرند که ارتباط زمینی بین بخش پایینی دره سند و

کشاورزانی که در دامنه‌های پرشیب ایالت سرحدی شمالغرب به کشت و زرع مشغولند، مجبورند زمین را به صورت پلکانی کشت کنند.

جنوب افغانستان را ممکن می‌کنند. بلوچستان به این علت که گذرگاهی برای قاچاق مواد مخدر است، بدنام شده است. محل خطرناکی است که در آن آدم‌ربایی به منظور دریافت پول معمول است. تقریباً همه افراد ساکن در این منطقه با خود اسلحه حمل می‌کنند و تیراندازی، سرقت مسلحانه و آدم‌ربایی رخدادهای رایجی هستند.

ایالت پنجاب، منطقه پرجمعیت و حاصلخیزی است که مراکز شهری مهمی از جمله لاهور، اسلام‌آباد، راولپندی و مولتان در آن واقع شده‌اند و بسیاری از رهبران سیاسی و اقتصادی پاکستان از این ایالت برخاسته‌اند. نام پنجاب از دو واژه «پنج» و «آب» تشکیل شده، زیرا پنج رود اصلی از این منطقه می‌گذرند که جملگی سرانجام به رود سند می‌ریزند. وجود این رودخانه‌ها باعث شده است که شرایطی عالی برای کشت و زرع فراهم باشد، ولی در عین حال موجب گردیده است که با طغیان رودها سیل در منطقه به راه بیفتد. در سال ۱۹۴۷ هنگامی که پاکستان به استقلال رسید، بخش شرقی منطقه پنجاب به کشور هندوستان پیوست، ولی قسمت اعظم آن بخشی از پاکستان شد.

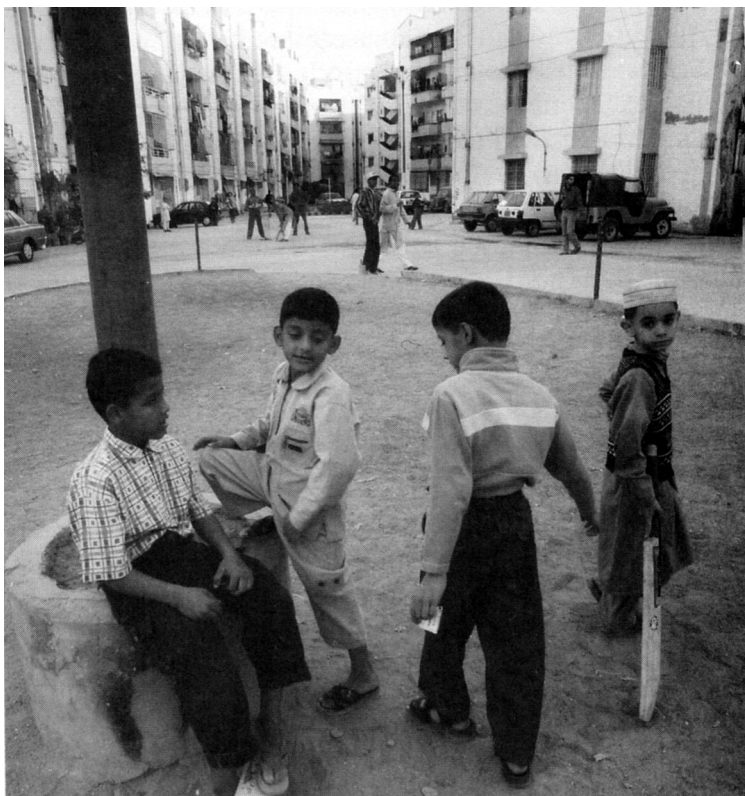


ایالت سند در شرق از بیابان‌های ماسه‌ای غیرقابل سکونت دشت تار و در غرب از کوه‌های خشک و لم‌یزرع تشکیل شده و در جنوب به دریای عرب می‌رسد. مرکز این ایالت شهر کراچی است. جلگه سند، که در میان ایالت سند قرار دارد، جایی است که تمدن پاکستان در آن آغاز شده است. سطح آب رود سند معمولاً از سطح جلگه‌های اطراف آن بالاتر است و به همین دلیل، برای جلوگیری از بروز سیل - که بسیار معمول است - لازم است دیواره و خاکریز ساخته شود. بخش‌هایی از ایالت سند که به خوبی آبیاری می‌شوند جمعیت زیادی دارند (حدود بیست میلیون نفر) و گرچه دو سوم افراد به کشاورزی مشغولند، رشد صنایع الکترونیک و سایر رشته‌هایی که نیاز به فن‌آوری سطح بالا دارند سرعت یافته است. صدها سال پیش، به دلیل وجود بیابان‌های لم‌یزرع، گرد و خاک و قبایل کینه‌توز، ناحیه سند را دره بدبختی می‌نامیدند و امروزه این ناحیه به خاطر کشتارهای مکرر، بمب‌گذاری، تبادل آتش و قتل افراد حتی از آن زمان هم بدتر شده است. حضور راهزن‌های مسلح در ناحیه سند معمول است، و آن‌ها به بستن راه کاروان‌های اتومبیل یا قطارها و آدم‌ربایی و کشتن مسافران شهرت یافته‌اند.

شهرهای بزرگ

اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، در منطقه پنجاب، در کوهپایه‌های هیمالیا واقع شده است. قرار بود اسلام‌آباد در کوه‌های خنک و سرسبز شمال راولپندی ساخته شود که از سال ۱۹۶۱ مراحل عملیاتی این طرح آغاز شد. امروز پایتخت شهر تمیزی است با خیابان‌های پهن که در دو طرف آن درخت‌هایی کاشته شده و بخش‌هایی دولتی، اقتصادی، مسکونی، صنعتی و تفریحی دارد. در قسمت‌هایی از شهر هیچ نوع ساختمان‌سازی مجاز نیست و پارک‌های سرسبز و دلپسندی در آن مناطق به وجود آمده است. جمعیت این شهر در حال حاضر بیش از نیم میلیون نفر است. راه‌بندان و آلودگی هوا به دلیل طراحی درست، حمل و نقل عمومی مؤثر و نبود صنایع سنگین به ندرت رخ می‌دهد. اگرچه بروز جرم و جنایت در

با آن‌که کراچی را خطرناک‌ترین شهر دنیا خوانده‌اند، به نظر نمی‌رسد کودکان بومی شهر ترسی به دل راه داده باشند.



سایر شهرهای بزرگ پاکستان رواج دارد، اسلام‌آباد، که مرکز دولت و کانون توجه مأموران دیپلماتیک خارجی است، هنوز به نسبت محلی امن است.

کراچی، مرکز ایالت سند، در کنار دریای عرب قرار گرفته است. کراچی شهری شلوغ با هوایی آلوده است که فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی بسیاری در آن جریان دارد و بزرگ‌ترین شهر پاکستان به شمار می‌آید و جمعیتی حدود چهارده میلیون نفر دارد. در ابتدا کراچی پایتخت پاکستان بود، ولی در دهه ۱۹۶۰ به دلیل گرمای شدید، جمعیت زیاد و نیز دور بودن کراچی از سرزمین نخبگان حکومتی پاکستان، که غالباً پنجابی بودند، پایتخت به اسلام‌آباد انتقال داده شد. کراچی تنها بندر کشور است که در کنار دریا واقع شده، و فرودگاه بین‌المللی آن ایستگاه بسیاری از

پروازهای خطوط هوایی غربی - شرقی است. بعضی افراد معتقدند کراچی خطرناکترین شهر دنیاست و هر روز گزارش‌هایی در باره قتل، بمب‌گذاری، سرقت و ترور در این شهر صفحات روزنامه‌ها را پر می‌کند. کراچی پرجمعیت‌ترین شهر بخش جنوبی پاکستان است، و لاهور در بخش شمال شرقی دومین شهر بزرگ کشور به شمار می‌رود.

جمعیت لاهور بیش از شش میلیون نفر است. لاهور در میان جلگه‌های حاصلخیز پنجاب واقع شده و تا مرز هندوستان فاصله زیادی ندارد. این شهر بسیاری از بقایای دورانی را که یکی از مهم‌ترین شهرهای امپراتوری مغول به شمار می‌رفته، حفظ کرده است و امروزه مرکز فرهنگی، معماری و هنری پاکستان به حساب می‌آید.

در مقابل، شهر کوئتا در بخش مرکزی پاکستان قرار گرفته است. کوئتا



دو سرباز مسلح پاکستانی در کوئتا، شهری که در آن نیروهای نظامی به دلیل نزدیکی آن‌جا به مرز افغانستان حضور دائم دارند.

مرکز ایالت بلوچستان است و جمعیت آن را حدود نیم میلیون نفر پاکستانی و تعداد زیادی از مهاجران افغانی تشکیل داده‌اند. شهر کوئتا در نزدیکی مرز افغانستان در ارتفاعی حدود ۱۶۵۰ متر واقع شده است. این شهر جذاب کوهستانی به دلیل داشتن باغ‌های میوه شهرت یافته است. کوئتا به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی و جغرافیایی اش، که نزدیک به شهر جنوبی افغانستان یعنی قندهار و نیز گذرگاه بولان است، هم شهری مرزی است و هم جاده بازرگانی مهمی که با کشورهای دیگر ارتباط دارد. در نتیجه، در این شهر نظامیان زیادی حضور دارند، که این وضع بین کوئتا و پیشاور مشترک است.

پیشاور مرکز ایالت سرحدی شمالغرب است و جمعیتی حدود یک میلیون نفر دارد. پیشاور بزرگ‌ترین شهر این ایالت است و از نظر تاریخی، سیاسی و نظامی اهمیت بسزایی دارد که به دلیل نزدیک بودن آن به گردنه خیبر است - گردنه‌ای که راه زمینی اصلی به سوی غرب بود. این شهر دوهزار سال پیش بنیانگذاری شده و طی قرن‌ها محمل آمیزه‌ای از تمدن‌ها بوده است. در چهره، زبان و لباس ساکنان شهر و نیز در معماری آن می‌توان ردپای مهاجمان مغول، زائران چینی و بازرگانان تاجیک را، که هر یک چند صباحی بر این سرزمین حکمرانی کرده‌اند، دید. پیشاور قدیم واقعاً شهری سرحدی است که می‌توان مردان چادرنشین پشتون را در مغازه‌های آن یافت، جایی که اسلحه‌سازان نمونه‌هایی واقعی از اسلحه‌های مدرن می‌سازند.

بین پیشاور تا راولپندی حدود ۱۶۰ کیلومتر فاصله است، ولی این دو شهر بسیار متفاوتند. راولپندی، که معمولاً پاکستانی‌ها آن را به اختصار «پندی» می‌خوانند، جمعیتی حدود ۱/۵ میلیون نفر دارد. در این شهر، که مرکز صنعتی و اقتصادی مهمی است، یک پالایشگاه نفت، صنایع گاز، یک کارخانه ذوب آهن، کارخانه آبجوسازی، کارخانه چوب‌بری و کارخانه‌هایی وجود دارند که چادر (خیمه)، پارچه، محصولات سفالی و چرمی تولید می‌کنند. این شهر، که از نظر سوق‌الجیشی به پایتخت نزدیک است، در کنار جاده‌ای قرار گرفته که پنجاب را به کشمیر متصل می‌کند.

راولپندی زادگاه سران نظامی پاکستان است. این شهر از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۰، پایتخت موقت پاکستان بود. راولپندی شهر صنعتی شمال کشور است و حیدرآباد در جنوب کشور مشابه آن است.

حیدرآباد شهری گسترده است با جمعیتی حدود دو میلیون نفر که در کناره رود سند در ایالت سند قرار گرفته و یکی از قدیمی‌ترین شهرهای شبه قاره هند است که تاریخ آن به دوران قبل از اسلام باز می‌گردد. حیدرآباد، که در مرز دشت تار واقع شده، بیش‌تر اوقات هوایی بسیار گرم دارد. این شهر چند دهه محل برخوردهای خشونت‌بار نژادی و مذهبی بوده و در آن آدم‌ربایی‌های متعددی به منظور اخاذی رخ داده است.

پاکستان با داشتن کوه‌های بلند و پوشیده از یخ در شمال، بیابان‌های غیرقابل سکونت در شرق و غرب، دره حاصلخیز مرکزی و ساحلی طویل در کناره دریای عرب، کشور چندگانه‌ای است. مراکز شهری کشور از جوامعی پاکیزه با طراحی دقیق امروزی تا شهرهایی خطرناک که جرم و جنایت به فراوانی در آن‌ها رخ می‌دهد متفاوت است. رشد سریع جمعیت بسیاری از جنبه‌های زندگی پاکستان از جمله حیات وحش و محیط زیست را تهدید می‌کند و تلاش‌هایی را که به منظور فقرزدایی و کاهش جرم صورت می‌گیرد بی‌اثر می‌سازد.



تمدن پنج هزار ساله

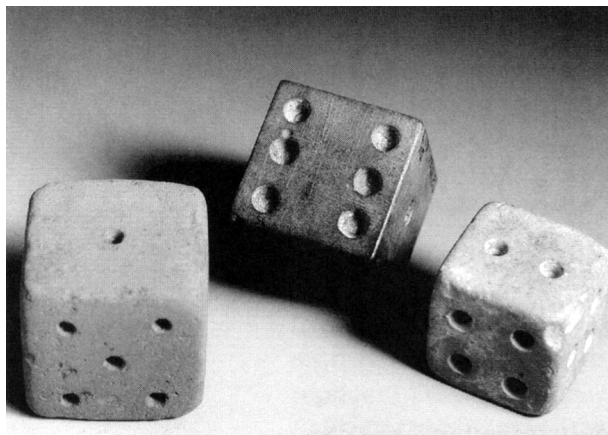
کشور پاکستان از سال ۱۹۴۷ موجودیت یافته ولی تمدن این بخش از شبه قاره هند، که امروزه پاکستان، هند و بنگلادش را شامل می‌شود، چند هزاره قدمت دارد. طی این چند هزار سال سرزمینی که امروز پاکستان را تشکیل می‌دهد بارها و بارها مورد تهاجم قرار گرفته است. در نتیجه، تأثیرات تاریخی گوناگونی در ایجاد این آمیزه فرهنگی، که امروز کشور عجیب و جذاب پاکستان را پدید آورده، نقش داشته است.

تمدن سند

شواهد باستان‌شناختی بیانگر آن است که احتمالاً از پنجاه هزار سال پیش، قبایل عصر حجر در سرزمین‌های حاصلخیز اطراف رود سند سکونت داشته‌اند. در حدود هفت هزار سال قبل از میلاد مسیح، انسان‌هایی که با شیوه ساخت ابزار و اسلحه از برنز آشنا بودند جانشین این قبایل بدوی گردیدند. اما اولین جوامع سازمان‌یافته در حاشیه رود سند در پاکستان حدود پنج هزار سال پیش پدید آمد.

در طول ساحل باستانی رود سند بقایای شهرهای پیشرفته متعددی وجود دارد، شهرهایی که برای جهان امروز تا سال ۱۹۲۰ ناشناخته بود. در این زمان برای اولین بار بقایای این شهرها از زیر خاک بیرون آورده شد. در اویدی‌ها،^۱ مردمانی که اصلشان در تاریخ ناپیداست، اولین تمدن واقعی دره سند را تشکیل دادند. دوهزار سال قبل از میلاد مسیح آن‌ها

صاحب امکانات پیشرفته کشاورزی، ساختارهای اقتصادی، ریاضیات، ادبیات و هنر بودند. بررسی‌های باستان‌شناختی اخیر معلوم کرده است که تمدن دره سند به تدریج رشد کرد تا این که منطقه‌ای بزرگ‌تر از اروپای غربی و به مراتب بزرگ‌تر از تمدن هم‌عصر در دره رود نیل در مصر و تمدن بین‌النهرین در منطقه بین دو رود



تاس‌هایی که در موهنجودارو یافت شده و به نظر می‌رسد مربوط به چهار تا پنج هزار سال پیش باشد.

دجله و فرات را تحت پوشش قرار داد. تعداد شهرها و روستاهای متعلق به تمدن سند بیانگر وسعت آن است: ۴۸۱ محل در پاکستان و ۹۱۷ محل در شمال غربی هندوستان.

بیش‌ترین مطالعاتی که تا به حال در مورد شهرهای باستانی دراویدی‌ها انجام شده در باره دو شهر موهنجودارو^۱ و هراپا^۲ بوده که هر دو در دره سند واقع شده بودند. ویرانه‌های این شهرها نشان می‌دهد که در آن‌ها خیابان‌ها و خانه‌ها بر اساس نقشه بنا شده بودند. به نظر باستان‌شناسان، یکسان بودن شکل دو شهر و سایر مراکز دراویدی‌ها بیانگر آن است که این فرهنگ تحت کنترل حکومتی مرکزی متحد شده بود، اگرچه شواهدی دال بر وجود چنین حکومتی موجود نیست.

به نظر باستان‌شناسان طراحی دقیق خیابان‌ها، سیستم فاضلاب، حمام‌های عمومی و امکانات انبار کردن غلات در موهنجودارو نشان‌دهنده ابتدایی‌ترین نمونه شهری طراحی شده است، شهری که به منظور کارآمدتر بودن طرح‌ریزی شده و، برخلاف سایر شهرهای باستانی، صرفاً با رشد جمعیت گسترش نیافته است. شواهدی که در آن‌جا و سایر مناطق از زیر خاک بیرون آورده شده بیانگر این است که دراویدی‌ها بازرگانی می‌کردند و در زمینه دین، ریاضیات و ادبیات با

1. Mohenjo Daro

2. Harappa